

گزارش نشست علمی پژوهش

شبکه اسلام لیبرال در اندونزی

تحلیل و نقد

دکتر سید محسن میری

چهارشنبه ۲۲ آذرماه



جامعة المصطفی العالمیة - نمایندگی تهران والبرز

سازمان‌هایی مجاز به فعالیت بودند که ایدئولوژی حکومتی پانچاسیلا را مبنای کار خود قرار دهند.

در این شرایط (حدود سال ۱۹۷۰) نسل جدیدی از اندیشمندان و فعالان مسلمان همچون نورخالص مجید، عبدالرحمن وحید، احمد واهب، جوهان افندی و... از نقش فعالی در این عرصه برخوردار شدند و براساس این اعتقاد که سیاست‌ها و رویکردهای اسلام سنتی یا اسلام سیاسی از حرکت و پویایی بازاریستاده و دچار ناکارآمدی شده است، بر آن شدند تا با تأکید بر اسلام فرهنگی، طرحی نواندیشانه، متناسب با توسعه مورد نظر و برخوردار از برخی ویژگی‌های لیبرالیستی در اندازند که با لحاظ جنبه نقش آفرینی اسلام و حفظ هویت بومی، به خروج کشور از بحران‌ها کمک کند. در حمایت از این اندیشه، وزارت امور دین سوهارتو به خصوص در زمان وزارت منور شاذلی، در حمایت از جریان اسلام لیبرال تلاش کرد با توسعه دانشگاه‌های دولتی مطالعات اسلامی (IAIN) آن‌ها را به مراکز این اندیشه تبدیل کند. چتر حمایتی نسبی سازمان نهضت العلما و محمدیه نیز در سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۹۹ تا حدی بر فعالان جوان این جریان سایه افکن شد. اگرچه این دو سازمان پیوسته انتقادات فراوانی از تندروهای این جریان داشته‌اند.



بدین ترتیب هویت اسلام لیبرال با شخصیت‌های پیش گفته شکل گرفت، اما آغاز رسمی این جریان به حضور تعدادی پژوهشگر و روزنامه نگار جوان در دهه ۹۰ بازمی‌گردد که در مؤسسه پارامدینه، نهضت العلما و دانشگاه

مقدمه

با هجوم استعمار اروپایی و اوج‌گیری آن در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، طرح مباحثی همچون سنت و تجدد، راه‌های دستیابی به پیشرفت و جبران عقب‌ماندگی و نیز چگونگی برقراری رابطه‌ای معقول میان هویت اسلامی و هویت اندونزیایی با توجه به شرایط مدرن در میان اندیشمندان و فعالان اجتماعی رواج و گسترش یافت. در این میان دو جریان اسلامی، به صورتی جدی فعال شدند: سنت‌گرایان که ضمن تأکید بر تفسیر متن محاورانه دین و مرجعیت علمی و عملی علمای پیشین در ارائه اسلام و نیز همخوانی نسبی با فرهنگ و آداب منطقه، مخالف گرایش‌های سلفی از نوع وهابی آن بودند و جریان تجدد (اصلاح‌گرایان) که با تأثر از اندیشه‌های محمد ابن عبدالوهاب، محمد عبده، سید جمال الدین اسدآبادی و رشید رضا هوای تجدید در دین را در سر می‌پروراندند. این دو جریان تلاش‌های فراوانی برای حضور بیشتر اسلام در صحنه سیاست و به کارگیری شریعت در اجتماع به انجام رساندند. با وجود تحولات فراوان فکری در سال‌های بعد، تا زمان به قدرت رسیدن ژنرال سوهارتو، این دو جریان همچنان بر سپهر اندیشه مسلمانان حاکمیت داشتند.

سال‌های آغازین حکومت سوهارتو (۱۹۶۹-۱۹۶۶) که با تلاش برای غلبه بر بحران‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی موجود، همراه بود موجب شد تا دولت او بتواند از نظر سیاسی بر جامعه و نیروهای اجتماعی و مدنی تسلط یابد و با ایجاد نظم نوین به توسعه سیستم سیاسی بپردازد. در واکنش به دو دهه رکود اقتصادی، یکی از مهم‌ترین تصمیمات وی در این دوره، آغاز «دوران توسعه» براساس الگوی غربی با تأکید بر جنبه اقتصادی آن بود. نظم نوین با مفاهیم متناسب همچون رشد و نوسازی و... وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدیدی را اقتضا می‌کرد. خواست دولت برای مدرنیزاسیون در زمینه‌های سیاسی و اعتقادی عملاً به معنای سیاست‌زدایی از اسلام، ایجاد محدودیت در مشارکت سیاسی مردم و کاهش تعداد احزاب سیاسی بود و صرفاً احزاب و

دولتی اسلامی شریف هدایت الله جاکارتا فعال بودند؛ کسانی همچون اولی الابصار عبدالله، بودی منور رحمان، نصرالدین عمر، ریزال مالارانگنگ، سیفول موزانی، احسان علی فوزی، لطفی الشوکانی، رومادی، باقر احسان، نیروان احمد ارسوکا، گونوان محمد و... که از حمایت افرادی همچون آزبومردی آرزو، قمرالدین هدایت، احمد سهل و... برخوردار بودند.

با سقوط سوهارتو به دلیل بحران اقتصادی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۸ و گشودگی سیاسی پس از او، جریان‌های اسلام سیاسی و اصول‌گرا مجدداً جان گرفتند. برخی از این سازمان‌ها ضمن تأکید بر اسلام سیاسی، روش متعدالی داشتند؛ همچون حزب عدالت (PK) که مورد توجه و علاقه دانشگاهیان و افراد تحصیل کرده نیز قرار گرفت یا حزب التحریر اندونزی که اگرچه خواستار استقرار نظام خلافت در نظام سیاسی و حکومت بود، اما دست به عمل خشونت بار نمی‌زد. در کنار آنان، سازمان‌هایی تندرو نیز شکل گرفتند که تحرکات برخی از آنان در مناطقی مانند مالوکو و کالیمانتان، درگیری‌های قومی - مذهبی را به دنبال داشت. سازمان لشکر جهاد (LI)، به رهبری جعفر عمر طالب که باعث نزاع قومی مذهبی مالوکو شد، مجلس مجاهدین اندونزی (MMI)، به رهبری ابوبکر باعشیر تروریست معروف و جبهه مدافعان اسلامی (FPI) به رهبری حبیب محمد رزق شهاب برخی از این نمونه‌ها هستند.

در چنین فضایی شبکه فکری اسلام لیبرال (JIL) که از آن به «شبکه» یاد می‌کنیم، با تعدادی از روشنفکران و فعالان لیبرال مسلمان در سال ۲۰۰۱ شکل گرفت تا هم ادامه دهنده و نسخه جدیدی از جریان اسلام لیبرال و تسهیل‌کننده روندهای سکولاریستی حاکمیت باشد و هم ضمن نفی نگرش جریان‌های سنت‌گرا، اصلاح‌گرا و اسلام سیاسی، اولاً به مخالفت با جریان‌ها و گفتمان‌های اسلامی متأخری که این شبکه آن‌ها را افراط‌گرا، بنیادگرا و رادیکالیست می‌نامید بپردازد و ثانیاً براساس ارزش‌های لیبرالیستی، تفسیری باز و متسامح از اسلام ارائه دهد و آن را در اندونزی ترویج کند.



شخصیت‌های مؤسس این جریان عبارت بودند از اولی الابصار عبدالله، لطفی الشوکانی، حمید با شعیب، احسان علی فوزی، نانگ دارالمحمده و احمد سهل. این شبکه تدریجاً به یکی از جریان‌های تأثیرگذار فکری و فرهنگی در اندونزی تبدیل شد و با توجه به دیدگاه‌های لیبرالیستی‌تر نسبت به نسل‌های قبلی اسلام لیبرال، چالش‌ها و مخالفت‌ها و موافقت‌های فراوانی را در جامعه اندونزی برانگیخت.

لیبرالیسم

لیبرالیسم فلسفه‌ای سیاسی است که مبتنی بر حقوق فردی، آزادی، برابری سیاسی و برابری در برابر قانون، حمایت از مالکیت خصوصی و اقتصاد آزاد است و داعیه حمایت از حقوق مدنی و حقوق بشر، جدایی دین از سیاست، حاکمیت قانون، آزادی در انتخابات، اقلیت‌ها، مطبوعات، اجتماعات و مذاهب را دارد.

اصطلاح اسلام لیبرال به گرایشی اشاره دارد که بر آن است فهم دین اسلام و آموزه‌های اسلامی باید با توجه به زمینه‌ها و موضوعات جدید همچون دموکراسی، جدایی دین از سیاست، برابری حقوق زنان با مردان، آزادی

اندیشه، کثرت‌گرایی، حقوق اقلیت‌های دینی، قومی و احیاناً جنسی، توسعه و... مورد بازبینی قرار گیرد. این نگرش دربردارنده نگاهی مبتنی بر بازنگری، تغییر و تسامح در اموری است که عده‌ای دیگر از مسلمانان آن‌ها را اموری اساسی و تغییرناپذیر می‌دانند. در این بازبینی، از ثمرات مدرنیته چه به لحاظ روش و چه مضمون و محتوا بهره‌گیری فراوانی صورت می‌گیرد و همین امر موجب می‌شود فهم باورمندان به اسلام لیبرال، بسیار متفاوت با دیدگاه اسلام سنتی باشد.

البته گاهی تعبیر اسلام لیبرال بر معنای عام تری نیز اطلاق می‌شود؛ به گونه‌ای که افزون بر معنای پیش گفته، شامل نگرش کسانی نیز می‌شود که با تأکید بر اصالت و خلوص دین و به کارگیری روش‌های اجتهادی و دوری از افراط، بهره‌گیری از برخی ثمرات مدرنیته را روا می‌دانند و معتقدند دین می‌تواند نقش مهمی در حل بحران‌ها و چالش‌های معاصر داشته باشد. دیدگاه این گروه در مسائل مهم و اساسی اسلامی همچون رابطه اسلام و سیاست، کثرت‌گرایی و... در تقابل با دیدگاه اول است.

شخصیت‌هایی همچون امام خمینی، علامه طباطبایی، شیخ محمد عبده، سید جمال الدین اسدآبادی، شهید مطهری، شیخ یوسف قرضاوی، و... نمایندگان چنین دیدگاهی هستند. منظور از اسلام لیبرال در این مقاله، همان معنای اول است.

زمینه‌های پیدایش شبکه

می‌توان گفت زمینه‌های پیدایش شبکه به آغاز دوره نواندیشی مدرن در جهان اسلام در اوایل قرن هجدهم بازمی‌گردد. شکل‌گیری این دوره تحول‌خواهی نیز به نوبه خود ناشی از تأثیر انقلاب فرانسه بر امپراتوری عثمانی از طریق نسل جدید تحصیل‌کردگان مصری و سوری در اروپا، حضور ناپلئون در مصر (سال ۱۷۹۸ میلادی) و دیگر استعمارگران در سایر کشورهای اسلامی و بالاخره آشنایی مستقیم مردم مسلمان با پیشرفت‌های غرب بوده است. البته این گونه مواجهه با غرب در مناطق دیگر جهان اسلام همچون حضور چند صدساله استعمار انگلستان در شبه قاره هند و استعمار پرتغال و هلند در اندونزی نیز وجود داشت. با احساس عقب‌ماندگی نسبت به غرب در علم و فناوری، دو سؤال جدی در ذهن مسلمانان مطرح شد که اولاً چرا غرب که تا قرن‌های اخیر از دستاوردهای علمی، تجربی و فرهنگی جهان اسلام بهره می‌برد، اکنون با فاصله بسیار زیادی از مسلمانان پیشی گرفته است و ثانیاً برای حل این بحران چه باید کرد.

در اندونزی در واکنش به دغدغه‌های پیش گفته و نیز حضور استعمار پرتغال و هلند که ترویج مسیحیت را وجهه همت خود قرار داده بودند، جریان‌های مختلفی شکل گرفت. عده‌ای با بهره‌گیری از اندیشه‌های اصلاح دینی متأثر از محمد ابن عبدالوهاب و محمد عبده و... و با احساس مسئولیت دینی تلاش کردند ضمن اصلاح دین مردم، به مقابله با استعمار بپردازند و راه دستیابی به پیشرفت و جبران عقب‌ماندگی را هموار کنند. در مقابل، ترویج ارزش‌های غربی و سکولاریسم توسط دولت استعماری، با جدیت، دنبال می‌شد. دولت هلند برای کنترل هرچه بهتر مستعمره خود، روندهای فرهنگی و سیاسی و نظامی‌ای را برگزید تا بتواند فرهنگ اندونزیایی را متأثر از فرهنگ اروپایی و هلندی کند و در نتیجه دلبستگی مسلمانان به اسلام سیاسی را از بین ببرد. برخورد نرم با مسلمانان غیرسیاسی، تمرکز بر فرهنگ بومی (عادت) در برابر فرهنگ اسلامی، حمایت از اشراف محلی در مقابل رهبران اسلامی، آموزش غربی به آنان، به کارگیری آنان به عنوان کادر اداری دولت استعماری، و... از جمله روش‌های آنان بود که تا حد قابل توجهی موفقیت‌آمیز بود و سبب پیدایش نسلی از متفکران اندونزی شد که مروج اندیشه سکولار در اندونزی شدند.

تقابل عمیق این دو جریان را می‌توان در روند مبارزات استقلال طلبانه اندونزی در دهه سی و چهل قرن بیستم میان احمد سوکارنو که دیدگاه

دیدگاه‌ها

با توجه به دغدغه‌های فعالان شبکه مبنی بر عقب‌ماندگی تمدنی، اختلافات قومی و دینی و ظهور گرایش‌های تندرو مسلمان، سعی آنان در دستیابی به فهمی تحول‌خواهانه و نوگرایانه از اسلام بود که نیازهای زمانه را پوشش دهد. نوشته‌ها و مقالات فعالان و مشارکت‌کنندگان این شبکه، این نوگرایی و تحول‌خواهی را در طیف گسترده‌ای از این گونه موضوعات در سایت اینترنتی شبکه به نمایش گذاشته است:

۱. سکولاریسم

نظام سیاسی مطلوب، همان دولت سکولار دموکراتیک است که در عین احترام به دین و متدینان، از دین خاصی حمایت نمی‌کند و همه ادیان را برابر می‌داند. لذا دولت تنها اموری را انجام می‌دهد که منافع همه شهروندان را دربرمی‌گیرد. چنین دولتی نه تنها موجودیت دین و جوامع دینی را تهدید نمی‌کند، بلکه هم تضمین‌کننده آزادی ادیان و بقای آنها است و هم موجب جبران عقب‌افتادگی و نیز پیشرفت مسلمانان می‌شود.

۲. کثرت‌گرایی دینی

با توجه به درگیری‌های خشونت‌آمیز میان پیروان ادیان و نیز اقوام مختلف با یکدیگر، مانند خشونت تندروهای مسلمان علیه مسیحیان، جماعت احمدیه و نیز شیعیان و... این شبکه در ادامه راه دکتر نورخالص مجید سعی کرد از طریق مفهوم کثرت‌گرایی اجتماعی و نیز عدم انحصار حقانیت در یک دین خاص مانند اسلام، راه‌حلی برای خروج از این بحران ارائه کند. اولی‌الابصار در روزنامه کمپس نوشت: «بدون خجالت و شرم می‌گویم همه ادیان، برحق هستند و با وجود تنوع و تفاوت سطوح عمقی در زندگی در مسیر درست قرار دارند. همگی اعضای یک خانواده هستند که به راه بی‌پایان رسیدن به حقیقت، عشق می‌ورزند».

در خصوص دفاع از حقوق اقلیت‌ها نیز اعتقاد شبکه بر این است که دولت به گونه‌ای دموکراتیک، باید به خواسته‌ها و ارزش‌های هر فرد و گروه اقلیت همچون اکثریت احترام بگذارد و به آنان اجازه دهد تا چگونگی زندگی را خود تعیین کنند. درنهایت این آزادی نباید به آزادی دیگران آسیبی وارد کند. براساس این نگاه، اقلیت‌های دینی و مذهبی و حتی همجنسگرایان تا زمانی که نظم عمومی را بر هم نزنند، مورد حمایت دولت قرار دارند و از حقوق برابر با اکثریت برخوردارند.

۳. آزادی فردی در اندیشه و نیز تفسیر دین

از سویی اعتقادات افراد، امری انتخابی و شخصی است و نمی‌توان کسی را به آن اجبار کرد و از سوی دیگر تفسیر دین در انحصار گروه خاصی نیست و هر فردی می‌تواند با توجه به سطح توانایی خود، دین خود را کشف و درک کند و بدین ترتیب هرگونه مرجعیت رهبران دینی در فهم و تفسیر دین، مردود اعلام می‌شود. فعالان فکری شبکه گاهی این دیدگاه را با استفاده از مفهوم «لزوم گشودگی باب اجتهاد در دین با اتکا بر عقل در تمام ابعاد الهیاتی، اجتماعی و عبادی» مطرح می‌کنند و معتقدند این امر موجب شکوفایی خلاقیت‌ها و نیز بقای اسلام در شرایط و زمان‌های مختلف می‌شود؛ بنابراین دلیل عقب‌افتادگی جهان اسلام در طول قرون گذشته را فقدان چنین امری می‌دانند.

۴. برابری جنسیتی

اینان معتقد به برابری جنسیتی میان زن و مردند و تفسیرهای دینی مبتنی بر برتری مرد در برخی موارد را رد می‌کنند. معتقدند تفسیر پدرسالارانه از اسلام، ربطی به ذات اسلام ندارد؛ بنابراین جایگاه زن در عرصه‌های مختلف زندگی از دیدگاه اسلام باید دوباره تفسیر شود. براین اساس در خصوص چندهمسری، ولایت مرد بر زن در خانواده و لزوم اذن ولی در ازدواج دختر، عدم جواز ازدواج زن مسلمان با غیرمسلمان، ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان و برعکس، سهم ارث زن و مرد، امامت جماعت

استقلال طلبان ملی‌گرای سکولار را نمایندگی می‌کرد و محمد نصیر که دیدگاه استقلال طلبان مسلمان را نمایندگی می‌کرد مشاهده کرد. محمد نصیر به عنوان یک مسلمان اصلاح‌طلب، طی مقالاتی به نقد دیدگاه‌های متفکران و رهبران اجتماعی سکولار اندونزی مانند احمد سوکارنو مبنی بر جدایی اسلام از سیاست می‌پرداخت. در مقابل، سوکارنو با تأثیرپذیری از اندیشمندانی همچون سید امبرعلی از حقوق‌دانان و اصلاح‌گران و نویسندگان مسلمان با گرایش‌های لیبرالیستی هندوستان، خالده ادیب از رهبران مبارز و همگام با مصطفی کمال در ایجاد ترکیه جدید، ضیا گوکالپ متفکر و نویسنده برجسته ترکیه مدرن، علی عبدالرزاق مصری و مؤلف کتاب مهم و چالش‌برانگیز اسلام و اصول الحکم، بر لزوم تفسیر جدید از دین براساس عقل مستقل و فاصله گرفتن از مرجعیت گذشتگان تأکید داشت و معتقد به جدایی دین از حکومت بود. او با پیروزی بر رقیب توانست با تأسیس دولتی سکولار در اندونزی مستقل (سال، ۱۹۴۵)، پانچاسیلا را به عنوان ایدئولوژی حکومت اندونزی معین کند و از سال ۱۹۵۹ با نامحدودکردن قدرت خود و طراحی سیستم «دموکراسی هدایت شده»، محدودیت‌های زیادی برای گرایش‌های اسلامی مقابل خود ایجاد کند. کودتای نظامی سوهارتو بر ضد سوکارنو نه تنها این روند را متوقف یا کند نکرد بلکه موجب گسترش سریع‌تر سکولاریسم و لیبرالیسم در اندونزی شد. براین اساس می‌توان گفت شبکه، محصول و برآیند حداقل دو قرن گرایش‌های سکولاریستی و لیبرالیستی جهان اسلام نیز هست. شبکه، افزون بر زمینه‌های پیشین، به شدت تحت تأثیر گرایش‌های روشنفکری و لیبرالیستی مسلمان در دهه‌های اخیر همچون فضل الرحمن ملک، نصر حامد ابوزید، محمد آرکون، محمد عابد الجابری، حسن حنفی، فاطمه مرینیسی، محمد شحرور و... قرار دارد. ضمن اینکه اولی‌الابصار که یکی از مهم‌ترین رهبران فکری و فعالان شبکه است، به فراوانی از ایده‌های متفکران غربی و مسلمان مانند ژاک دریدا، هابرماس، میشل فوکو، آنتونی گیدنز، نصر حامد ابوزید، حسن حنفی، محمد آرکون، محمد عابد الجابری، فهمی هویدی، خالد ابوالفضل، نورخالص مجید و عبدالرحمن وحید استفاده کرده است.



زنان برای مردان و... دیدگاهی متفاوت با دیدگاه کلاسیک دارند و حجاب را نه امری دینی، بلکه امری متعلق به فرهنگ عربی و نیز نتیجه فهم علمای کلاسیک از اسلام - که خود تحت تأثیر شرایط اجتماعی و تعصبات ایدئولوژیک و... بوده است - می‌پندارند.

روش شبکه در بازننگری در دین

با توجه به چالش‌های فکری و اجتماعی اندونزی (مانند عقب‌ماندگی تمدنی، اختلافات قومی و دینی میان مسلمانان و بقیه ادیان و ظهور گرایش‌های تندرو مسلمان) و هدف شبکه مبنی بر پاسخی متناسب با تکیه بر اسلام و براساس ارزش‌های لیبرالیستی معاصر، می‌توان گفت روش آنان مبتنی بر رویکردی است که برآیند تناظر میان اسلام، ارزش‌های لیبرالیستی معاصر و نیز واقعیت‌های موجود در اندونزی است. شبکه تلاش می‌کند تا درک منابع اسلامی را براساس عقلانیتی زمینه‌گرا سامان دهد. به همین دلیل محصول این روش، دیدگاهی است که به کلی با متون دینی و نیز نظرات فقهی، تفسیری و کلامی عالمان اسلامی در قرون گذشته متفاوت است.

آنان معتقدند در فهم دین باید به تفکیک جوهره و روح اسلام و نیز نگاه جهان‌شمول و بعد اخلاقی آن از زمینه‌های اجتماعی زمان نزول قرآن کریم پرداخت و سپس آن را با دوران معاصر تطبیق داد. برای این کار، رویکرد متن محورانه قابل قبول نیست و به همین دلیل روش فهم و استنباط دین، باید مورد بازننگری و تحول قرار گیرد. در این روش، شبکه با رویکردی زمینه‌گرا، از اصول فهم کلاسیک همچون حجیت ظهور متون اصلی دین (کتاب و سنت) و نیز حجیت قول و فعل و تقریر پیامبر (ص) تا حد زیادی فاصله می‌گیرد. ضمن اینکه منابع فقهی اهل سنت همچون اجماع و قیاس را رد می‌کند و به جای آن از روش‌های مدرن فهم همچون هرمنوتیک، زبان‌شناسی، نقد ادبی، نشانه‌شناسی، نقد تاریخی، انسان‌شناسی و پدیدارشناسی استفاده می‌کند که ریشه در اندیشه غربی دارد. البته در جهان اسلام، روشنفکرانی همچون فضل الرحمن، نصر حامد ابوزید و حسن حنفی و محمد عابد الجابری و محمد آرکون در به کارگیری آن‌ها پیشگام بوده‌اند.

در این نگاه، از آنجا که قرآن کریم هم به لحاظ شکل‌گیری و هم به لحاظ پیوند با جامعه و هم قابلیت پذیرش دین، متناسب با ظرفیت‌های جامعه نازل شده است و با زمینه و بافت اجتماعی همچون سنت عربی آن زمان، پیوندی وثیق دارد، برای زنده نگه داشتن قرآن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، ما نباید فهم خود از متن را محدود به وقایع زمان نزول قرآن کنیم، بلکه باید زمینه‌های اجتماعی، وضعیت‌ها و نقش‌های اجتماعی معاصر را در فهم جدید دین به کار گیریم. اولی‌الابصار با استفاده از روش فوق جهت و باور به لزوم بهره‌گیری از تجربه انسان مدرن، نتیجه می‌گیرد که اولاً مسلمانان بخشی از خانواده جهانی‌اند و جایی برای تقسیم‌بندی مسلمان و غیرمسلمان، مؤمن و کافر و... وجود ندارد؛ زیرا آموزه خانواده جهانی، از اصول اساسی اسلام است و ثانیاً قوانینی همچون قراردادهای مربوط به تجارت، ازدواج، مدیریت و... که از شئون اجتماعی بشر محسوب می‌شوند، قوانینی جهانی است و باید توسط خود بشر وضع شود؛ بنابراین چیزی به نام قوانین الهی نداریم و آنچه در فقه اسلامی به عنوان مقاصد الشریعه (حفظ جان، عقل، دین، نسل و مال) مطرح شده است، اشاره به این قوانین جهانی دارد.

فعالیت‌های شبکه

اگرچه شبکه در طول مدت فعالیت خود چندین بار، راهبرد خود را برای انتشار ایده‌هایش تغییر داده، به طور کلی برنامه‌های زیر را برای گسترش ایده‌هایش به کار گرفته است:

۱. تشکیل سندیکای نویسندگان لیبرال اسلامی جهت جمع‌آوری مواد نوشتاری، مصاحبه‌ها و مقالات مناسب تعدادی از نویسندگان مدافع کثرت‌گرایی و شمول‌گرایی برای روزنامه‌ها در مناطقی که معمولاً در یافتن نویسندگان مشکل دارند؛

۲. ارائه برنامه‌های رادیویی گفتگو محور و مصاحبه با افرادی که کثرت‌گرایی و سایر ایده‌های اسلام لیبرال را ترویج می‌کنند. این برنامه‌ها که از طریق ده‌ها ایستگاه رادیویی در سراسر اندونزی پخش می‌شود، مؤثرترین فعالیت برای انتشار اسلام لیبرال بوده است؛

۳. انتشار کتاب (اعم از ترجمه، تألیف، بازنشر کتاب‌های قدیمی‌تر)، مقاله، جزوه، مصاحبه و چکیده کتاب در زمینه کثرت‌گرایی دینی و نیز انتشار تارنما که اطلاعات و نوشته‌های مرتبط با اسلام لیبرال را به نمایش می‌گذارد؛

۴. انتشار کتاب‌های جیبی برای عموم با حجم ۵۰ تا ۱۰۰ صفحه به زبان واضح و قابل فهم که به بررسی برخی از موضوعات مطرح اجتماعی از منظر اسلام لیبرال می‌پردازد؛ موضوعاتی همچون تفسیر مجدد جهاد به عنوان مبارزه معنوی و فکری، شریعت به عنوان نظام اخلاقی و نه نظام قانون‌گذاری، حجاب به عنوان انتخاب شخصی و نه الزام شرعی و... افزون بر این، شبکه بولتن‌های هفتگی را روزهای جمعه برای توزیع در مساجد در نماز جمعه منتشر می‌کند؛

۵. تبلیغات تلویزیونی حاوی پیام‌هایی در زمینه تساهل دینی، کثرت‌گرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز بین پیروان ادیان، احترام به تفاوت‌ها و پیشگیری از درگیری‌های اجتماعی. یکی از این تبلیغات، برنامه جنجال برانگیز «اسلام رنگارنگ» بود که از ایستگاه‌های تلویزیونی مختلف پخش شد و مخالفت برخی از گروه‌های اسلام‌گرا را برانگیخت؛

۶. برگزاری کارگاه با حضور دانشجویان و نیز نشست با حضور سخنرانان داخلی و خارجی درباره مباحث پیش‌گفته با همکاری سایر مؤسسات؛

۷. نقد و تحلیل برخی از لوایح قانونی است مانند نقد «لایحه هماهنگی مذهبی» که توسط وزارت دین اندونزی طراحی شده بود یا «لایحه جرم‌انگاری ازدواج بین ادیان» با این ادعا که این لایحه موجب نقض حقوق بشر و آزادی دین افراد است.

شبکه برای گسترش طیف مخاطبان و ایده‌های خود از این ابزارها استفاده کرد و تا حدی هم موفق شد که تعداد زیادی از افراد فعال در زمینه‌های حرفه‌ای و آموزشی علوم انسانی همچون الهیات، فلسفه، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، اقتصاد و... را به خود جلب کند. این تعداد در سال ۲۰۰۴ به بیش از ۱۰۰۰ نفر رسید. از جمله دیگر حامیان این شبکه، اقلیت مسیحی اندونزی بوده است.

شبکه برخلاف مخالفانش سعی دارد از روش‌های دیگر از جمله تظاهرات خیابانی استفاده نکند.



نکته مهم اینکه اگرچه جریان اسلام لیبرال و به دنبال آن شبکه به صورتی نسبتاً پرانرژی در میان گفت‌وگوهای فکری اندونزی ظهور کرد و در ابتدا توانست بخش قابل توجهی از طبقه متوسط مسلمان تحصیل کرده و نسبتاً مرفه را جذب کند، ولی بعداً این رشد و گسترش ادامه نیافت. یک

دلیل آن کم شدن تدریجی حمایت‌های سازمانی از اندیشه و عمل اسلام لیبرال بود؛ به عنوان مثال شبکه تا سال ۲۰۰۹ از حمایت نسل قدیم اسلام لیبرال به ویژه عبدالرحمن وحید برخوردار بود و او تا زمان مرگش در همان سال به طور منظم در برنامه هفتگی رادیویی شبکه حضور می‌یافت. طبعاً پس از مرگ او چنین حمایتی وجود نداشت. دلیل دیگر، نگرش تندرو شبکه در مواجهه با عقاید مسلمانان و نیز تبلیغات فراوان و گسترده افراد و سازمان‌های اسلامی مخالف با شبکه بود که موجب تضعیف شبکه و نیز رسمیت و جایگاه یافتن برخی گفتمان‌های اسلامی معارض شبکه شد. دلیل سوم، حضور گزینه‌های مطلوب‌تر برای ذائقه مخاطبان از طبقه متوسط بود؛ همچون جلسات سخنرانی واعظ محبوب اندونزیایی به نام آگیم که سخنان خود را با ترکیبی از مفاهیم اسلامی و روان‌شناسی عامه‌پسند در زمینه‌های اخلاق اجتماعی ارائه می‌کرد یا جلسات عرفانی و معنوی که با ذکر جمعی و مانند آن همراه بود که به عدم استقبال از شبکه انجامید.

در حال حاضر تأثیرگذاری اندیشه لیبرال در مراکز دانشگاهی اسلامی دولتی (IAIN) تا حد زیادی کاهش یافته است. باین همه دو مؤسسه معارف و وحید که به سازمان محمدیه و نهضت العلماء نزدیک‌اند، دانشگاه دولتی شریف هدایت الله و نیز بنیاد پارامدینه که توسط دکتر نورخالص مجید تأسیس شده است، همچنان زمینه‌ای برای فعالیت فعالان و متفکران اسلام لیبرال است. فعالیت‌های عمومی این شبکه و بلکه سایر گروه‌های معتقد به اسلام لیبرال نسبت به گذشته بسیار کمتر شده است که البته بحران‌های اقتصادی و کمبود بودجه نیز در این مسئله مؤثر بوده است.

واکنش‌های مختلف به شبکه

دیدگاه‌های شبکه واکنش‌های زیاد و متفاوتی برانگیخت. عده‌ای درصدد حمایت و همدلی برآمدند؛ زیرا معتقد بودند شبکه با پویایی اندیشه توانسته است اسلام را دینی دموکراتیک، متسامح، کثرت‌گرا و حامی صلح و همخوان با مدرنیته نشان دهد. برخی حامیان جدی دیگر شبکه هم بودند که به صراحت در مطبوعات از ضرورت فعالیت و مقابله شبکه با گرایش‌های اصول‌گرایانه سخن گفتند. از یومردی از رئیس سابق دانشگاه اسلامی ایالتی جاکارتا نیز در واکنش به حکم اعدام اولی الابصار، اعلام کرد آزادی بیان حق اساسی انسان است و بهترین راه برخورد، پاسخگویی مستدل به آن است، نه صدور فتوای مرگ نویسنده.

برخی دیگر با رویکردی منتقدانه و درعین حال مشفقانه اعلام کردند اگرچه ایده‌های اسلام لیبرال می‌تواند در گسترش اسلام در اندونزی تأثیر مثبتی داشته باشد، ولی باید نسبت به اندیشه‌های غیرمتعادل و بی‌پروای آنان محتاط بود؛ به عنوان مثال هاشم موزادی، رئیس وقت نهضت العلماء (بزرگ‌ترین سازمان اجتماعی مذهبی اندونزی) که برخی از فعالان شبکه مانند اولی الابصار هم در آن تحصیل کرده بودند، معتقد بود فعالان اسلام لیبرال را باید راهنمایی کرد تا از اصول و موازین اسلامی منحرف نشوند و از آن‌ها خواست که مطالبشان را پیش از طرح برای عموم مردم در یک مجمع داخلی مطرح کنند تا از هرگونه هرج و مرج و عدم اطمینان جلوگیری شود.

در مقابل، افراد و گروه‌های زیادی هم به مخالفت پرداختند. این انتقادات اگرچه از آغاز پیدایش شبکه مطرح بود، ولی با انتشار مقاله‌ای از اولی الابصار با عنوان «تجدید فهم اسلام» در روزنامه کمپس به اوج خود رسید. وی در آن مقاله، مطالب چالش برانگیزی همچون لزوم تفسیر قرآن به شکلی فراتر از متن، تمایز میان ارزش‌های عام و موقعیتی در اسلام، رویکرد انتقادی به پیامبر خدا (ص) به عنوان یک شخصیت تاریخی و... را مطرح کرد. احمد بنیان واهب در مقاله ای، ۳۰ اثر منتشره در تأیید یا رد این مقاله را بررسی و تحلیل کرد و آن‌ها را به لحاظ روش، محتوا و نحوه ارتباط با مخاطبان جهت انتقال ایده‌ها به سه گروه تقسیم کرد.

از میان منتقدان اندونزیایی، دکتر حیدر باقر بر ضعف روش شبکه تأکید می‌کند. به اعتقاد وی لازمه چنین روشی این است که بتوان هر ایده‌ای را به اسلام نسبت داد. حسنی معاذ نیز شبکه را در تدوین چارچوب نظری عام برای درک آموزه‌های اسلامی به خصوص در دستیابی به ایدئال‌های مطلوب نظام اجتماعی ناموفق ارزیابی می‌کند و دلیل آن را ضعف در روش شبکه می‌داند. انتقاد امین عبدالله آن است که شبکه توجه لازم به ارزش‌های محلی و طبیعت روان‌شناختی مسلمانان اندونزی را ندارد و همین مشکل سبب شده است که گروه‌های مسلمان آن را نپذیرند. عمرالدین پیش‌بینی کرده است که گرایش شبکه همانند افراط‌گرایان مسلمان، عمر چندانی نخواهد داشت و به زودی از میان خواهد رفت. همان‌گونه که پیش از این چنین سرنوشتی دامنگیر اندیشه سوسیالیستی مارکسیستی شد. آدنین آرماس معتقد است دیدگاه‌های شبکه به شدت تحت تأثیر ایدئولوژی شرق‌شناسانه است که سوگیری اروپامحورانه دارد. مذکی شبکه را تهدیدی برای اسلام و مسلمانان و فرقه‌ای انحرافی معرفی می‌کند و عبدالقادر جیلانی هم دیدگاه‌های شبکه را نامرتب با نیازهای مسلمانان اندونزی و موجب از میان رفتن هویت اسلامی و اخوت اسلامی جامعه مسلمان می‌داند. آدیان حسینی و نویم هدایت نیز از جمله ناقدان جدی اسلام لیبرال و شبکه هستند که به لحاظ مضمونی، روشی و نیز پیامدهای این دیدگاه نکاتی را مطرح کرده‌اند. جعفر عمر طالب، رهبر گروه لشکر جهاد نیز فعالیت‌های فکری و عملی شبکه را تلاشی برای اسلام‌زدایی می‌داند. نویسندگان نشریه سبیلی (راه من) که پایگاه مهمی برای مخالفت با شبکه است، معتقدند اصولاً جریان اسلام لیبرال با اسلام بیگانه است و مارکسیسم، سکولاریسم و غرب‌گرایی را ترویج می‌کند. شدیدترین مخالفان از گروه «علمای امت اسلام» در شهر باندونگ، در استان جاوه غربی بودند که حکم اعدام اولی الابصار را صادر کردند.

به دلیل همین مخالفت‌ها بود که تلویزیون‌های خصوصی، تبلیغات تلویزیونی به نفع شبکه را لغو کردند و به دنبال آن جبهه دفاع اسلامی (FPI) سعی کرد به مقر شبکه در شرق جاکارتا حمله کند که توسط نیروهای امنیتی متوقف شد.

سلسله نشست‌های علمی هفته پژوهش

نشست علمی پژوهشی

چهارشنبه
۱۴۰۲/۹/۲۲
از ساعت ۱۰ تا ۱۲

شبکه اسلام لیبرال در اندونزی
تحلیل و نقد

حجة الاسلام آقای دکتر سید محسن میری

http://vc.miu.ac.ir/miut

تهران، خیابان قرنی، کوچه دهقانی‌نیا، پلاک ۱۲، سالن نشست‌ها.

تفسیرهای دینی (درمورد قوم لوط و...) به گونه‌ای که با این رفتار سازگار شود تأکید شده است.

وقتی قرار است معیار فهم، عقل جدید و زمینه‌گرایی بدون تعیین ویژگی‌های موجه باشد، نتیجه‌ای جز تفسیر دلخواهی نخواهد داشت و لازمه‌اش آن خواهد بود که این آسیب‌ها بتواند دامن‌گیر بنیان‌های اعتقادی نیز بشود؛ به عنوان مثال با تکیه بر این روش و رویکرد ممکن است کسی ادعا کند اعتقاداتی همچون توحید، باور به معاد و رسالت و بلکه اصل دین و اخلاق دینی نیز فرزند موقعیت و شرایط اجتماعی هستند، نه اموری تغییرناپذیر و در نتیجه به حسب اقتضائات جدید قابل تجدیدنظر هستند. با معیار الشوکانی درمورد نماز، مسلمانان می‌توانند معنویت بدون خدا را جایگزین اصل توحید کنند. بدین ترتیب با اجرای این روش از سویی حضور دین در قوانین و مقررات جامعه از میان می‌رود و از دیگر سوی، دین تدریجاً مرجعیت خود را در شکل‌دهی به فرهنگ عمومی و هنجارآفرینی برای جامعه از دست می‌دهد و سهمش در اخلاق فردی و اجتماعی به کمترین حد ممکن و بلکه به لحاظ منطقی به صفر می‌رسد.

دیگر نه چیزی از مناسک و عبادات فردی و جمعی و قوانین و سنت‌ها باقی می‌ماند و نه آرمان‌ها و امیدهای دینی برای آینده و دیگر دین اسلام مرز روشن و شناخته شده‌ای با سایر ایمان‌ها و تجارب دینی آمیخته با خرافات و انحطاط نخواهد داشت.

یکی از دیگر پیامدهای چنین روشی، ابزاری و مصرفی شدن دین است. با توجه به اینکه خاستگاه اصلی چنین روش و رویکردی این است که دین چه نیازی را برطرف می‌کند و به چه ضرورت‌هایی پاسخ می‌گوید، طبعاً ابعاد دیگر دین که کمکی به حل نیازهای موقت و عاجل نمی‌کنند، کنار می‌روند یا حذف می‌شوند و تنها بخشی از دین به صورت ابزار موقت به کار گرفته می‌شود. بدین ترتیب دین با ازدست دادن اصالت خود و تبدیل شدن به ابزار، از سویی تغییرات فراوانی را برای ایفای نقش ابزاری خویش می‌پذیرد و از سوی دیگر در مواردی که کارآمدی ندارد، عرصه را برای جایگزین شدن ابزاری دیگر خالی می‌کند.

نکته دیگر اینکه این اندیشه به دلیل زمینه‌گرایی افراطی‌اش، دین و وحی را تا حد بسیار زیادی محصول زمینه‌ها و روندهای تاریخی می‌داند و این موجب می‌شود که بعد مقدس و ماوراءطبیعی، فرازمانی و فرامکانی دین مغفول بماند و نادیده گرفته شود. البته این رویکرد تاریخ‌انگارانه که لازمه‌اش نسبیت‌گرایی است، در همین جا متوقف نمی‌شود و دامن‌گیر همان ارزش‌های جهانی و لیبرالیستی - که برای شبکه حقایق غیرقابل تردیدند و با تکیه بر آن‌ها حاضرند هرگونه تغییری را در دین انجام دهند- نیز می‌شود؛ زیرا طبق نظریه معرفتی زمینه‌گرایی، آن‌ها خود محصول زمینه و فرایندی تاریخی هستند و قابلیت دفاع مطلق را ندارند.

بررسی و نقد

نمی‌توان انکار کرد که برخی از دغدغه‌های نظری و عملی شبکه قابل توجه و در جای خود دارای اهمیت است. از جمله جهانی بودن اسلام و در نتیجه لزوم اجتهاد پیوسته در عرصه‌های مختلف دینی جهت کارآمدی دین برای رفع مشکلات و بحران‌های معاصر، دوری از ظاهرگرایی و لزوم توجه به عقل به عنوان منبع استنباط احکام، توجه به اهداف و روح دین، نقد و بررسی دیدگاه‌های دانشمندان اسلامی در گذشته، آزاداندیشی و اهتمام به حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی و تأکید بر لزوم همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و مذاهب مختلف، تلاش برای نقد اصلاح‌گرایان سلفی و گرایش‌های نزدیک به وهابیت اعم از جهادی و غیر آن. با این همه، اشکالات فراوانی بر دیدگاه آنان وارد است که موجب شده است کلیت این شبکه در نظر و عمل، قابل دفاع و حمایت نباشد. در اینجا تنها به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۱. مشکل روش‌شناختی و پیامدهای نامطلوب آن

ضعف روش‌شناختی، مشکل اساسی و عمیق این اندیشه است. در این کوشش فکری که فهم پیشین دینی براساس عقل مدرن بشری به گونه‌ای اصلاح می‌شود که بتواند پاسخگوی نیازها و مقتضیات امروز مؤمنان باشد، شبکه تلاش می‌کند با رویکردی زمینه‌گرایانه و با توجه به خصوصیت‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی زمان نزول و زمان حاضر، عناصر ثابت دین را از عناصر متغیر و موقعیتی تفکیک و بر زمان حاضر تطبیق کند. در این رویکرد، همخوانی یا عدم همخوانی با ارزش‌های لیبرالیستی غربی، معیار مهمی برای تعیین مؤلفه‌های متغیر دین محسوب می‌شود. اما از آنجا که چنین روش و رویکردی، نسبی و وابسته به موقعیت و شرایط اجتماعی است و معیارها و ضوابط معین و منطقی‌ای برای تفکیک ندارد، پیامدهای منفی فراوانی دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: تغییر ماهیت دین، کاهش شدید تأثیر دین در زندگی اجتماعی و فردی و ازدست رفتن مرزهای اسلام با ادیان دیگر. توضیح اینکه به کارگیری این روش و فرایند دلخواه و بی‌ضابطه از اسلام موجب می‌شود هیچ یک از تعالیم اصلی و آموزه‌ها، قوانین و اخلاقیات دینی از آسیب مصون نمانند و در نتیجه ماهیت دین تغییر یابد و دین به کلی از میان برود. برخی از نمونه‌هایی که در ادامه می‌آید نشان می‌دهد این مشکل تا چه اندازه جدی است.

لطفی الشوکانی از مؤسسان و فعالان شبکه معتقد است یک مسلمان می‌تواند بدون انجام نماز و از طریق مراقبه یا فعالیت‌های مشابه، با خداوند رابطه نزدیکی پیدا کند. طبعاً بر همین اساس، سایر احکام دین مانند روزه و حج و... هم می‌تواند دچار چنین وضعیتی شود. مصدح مولیا، فمینیست مسلمان لیبرال و مدرس دانشگاه UIN جاکارتا با استفاده از همین زمینه‌گرایی و تکیه بر ارزش‌های عقلانیت لیبرال معتقد است منع ازدواج با کفار در گذشته به دلیل وقوع جنگ میان این دو جریان و لزوم تفکیک مسلمانان از کفار بوده است و بنابراین چنین ازدواجی در شرایط عادی بلامانع است. وی افزون بر این، حامی برابری مرد با زن در موضوع عدّه بعد از طلاق و قانونی شدن ازدواج همجنس‌گرایان نیز هست. براساس همین روال، جنبش قانونی کردن ازدواج همجنس‌گرایانه دانشکده شریعت IAIN در شهر سمارانگ شکل گرفت و حامیان این جنبش کتابی با عنوان زیبای ازدواج همجنس‌گرایان: دموکراتیک شدن و حمایت از حقوق همجنس‌گرایان منتشر کردند. در این کتاب، بر ضرورت تلاش برای قانونی کردن ازدواج همجنس‌گرایان در اندونزی، سازمان‌دهی و اتحاد آنان، روشنگری جامعه نسبت به طبیعی بودن این رفتار و بازنگری در احکام و

معاونت آموزشی و پژوهشی با همکاری گروه‌های علمی تربیتی، نشست‌های علمی زیر را برگزار می‌کند:

بررسی فقهی حقوق جرم جنسی و تنسيق آن آقای دکتر سیدعلی سیدموسوی یکشنبه ۱۹ / ۱۴۰۲ - ۱۳ تا ۱۴	فقه‌های علم در جهان اسلام - عمکرد و رویکردها آقای دکتر محمدرضا کلانفریانی دوشنبه ۱۸ / ۱۴۰۲ - ۱۰ تا ۱۲
عقلانیت اسلامی و نور آن - با نگاه بر این همه جنبش آقای دکتر حسن عسکری دوشنبه ۱۹ / ۱۴۰۲ - ۱۳ تا ۱۴	راهنمای اجرای عدالت در حکمرانی علوی آقای دکتر اصغر مسعودی دوشنبه ۱۹ / ۱۴۰۲ - ۱۳ تا ۱۴
بررسی فقهی حقوقی رای وحدت رویه سند خبرنامه آقای دکتر سیدعلی سیدموسوی دوشنبه ۲۷ / ۱۴۰۲ - ۱۳ تا ۱۴	شبکه اسلام لیبرال در اندونزی: تحلیل و نقد آقای دکتر سیدمحسن میری چهارشنبه ۲۴ / ۱۴۰۲ - ۱۳ تا ۱۴

نشانی: تهران، خیابان قرنی، کوچه دهقانی‌نیا، پلاک ۱۲. <http://vc.miu.ac.ir/miaut>

۲. بی‌توجهی به ظرفیت احکام اجتماعی اسلام برای همه زمان‌ها

نکته دیگر اینکه شبکه به ویژگی ماهوی برخی از احکام شرعی و فقهی توجه لازم را نکرده و همه آن‌ها را محکوم شرایط و موقعیت‌های اجتماعی و زمانی و مکانی دانسته است؛ درحالی که برخی از احکام حقوقی اجتماعی و قراردادهایی همچون خرید، فروش، اجاره، صلح، هبه و مانند آن‌ها از ماهیت ثابت و نامتغیری برخوردارند؛ بی‌آنکه شرایط اجتماعی جدید در ماهیت آن‌ها تغییری ایجاد کند. تنها چیزی که امروزه تغییر کرده است، مربوط به برخی از اشکال آن‌ها است. در این صورت حکم پیشین آن‌ها نیز ثابت خواهد بود و می‌توانیم با استفاده از ظرفیت اجتهادی در فقه، همان احکام را بر شکل‌های جدید تطبیق بدهیم.

۳. نادیده گرفتن ظرفیت‌های علم فقه برای دستیابی به اهداف مورد نظر

شبکه برای حل مشکلات مورد نظر خود، ابزارهای مفهومی و روشی‌ای به کار می‌گیرد که پیامد آن‌ها جز نابودی دین نیست؛ درحالی که برای روزآمد کردن و پویایی دین، مکانیسم‌های متناسب و موجهی در اسلام وجود دارد که چنین پیامدهای سهمگینی ندارد. روش‌ها و فرایندهای این اندیشه را می‌توان در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، شهید صدر، شهید مطهری و... مشاهده کرد.

استفاده از عناوین ثانویه (در برابر عناوین اولیه)، تغییر حکم به سبب تغییر موضوع، نظریه منطقه الفراغ، تفکیک احکام حکومتی از احکام شرعی با استفاده از عنصر مصلحت، از این گونه مواردند. در این نگاه برخلاف نگاه شبکه، عقاید و اخلاق و مبادی احکام اسلام، محور قرار می‌گیرد و تغییرات اجتماعی پیوسته رصد می‌شود و با حفظ هویت دینی، برخی از تغییرات در موقعیت‌های متفاوت، ملحوظ می‌شود.

۴. نقد کثرت‌گرایی حقانیت

البته حل مشکلات و بحران‌های ناشی از اختلافات دینی و مذهبی امری به شدت ضروری است و حمایت‌های شبکه از حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی (از جمله شیعیان) قابل تقدیر است، ولی اینکه بخواهیم از ابزار مفهومی مبتنی بر رویکردهای مدرن درمورد ادیان، یعنی کثرت‌گرایی به معنای حقانیت همه ادیان استفاده کنیم و آیات قرآنی را تأویل‌های غیرقابل دفاع کنیم و آن را در منطقه اندونزی به کار بگیریم، دارای مشکلات اساسی غیرقابل دفاعی است که به برخی از آن‌ها در اینجا اشاره می‌شود.

۴-۱. گسترش اختلافات میان مردم و رواج بیشتر خشونت

وحدت حقیقت ادیان و پلورالیسم حقانیت به جز در میان برخی نخبگان لیبرال مسلمان، نه تنها مورد استقبال مردم درگیر نزاع‌ها اعم از اکثریت مسلمان و اقلیت مسیحی و... قرار نگرفت، بلکه در برخی موارد با واکنش‌های منفی و گسترده آنان نیز مواجه شد و به جای ایجاد وحدت، منشأ تفرقه و تعارض بیشتر شد و یک گرایش بر عدد‌گرایی‌های متعارض موجود افزود. حملات خشونت‌آمیز جبهه مدافع اسلام (FPI) به دفتر شبکه پس از اعلام فتاوا علیه شبکه از جمله این موارد است. این تعارض‌ها همچنان ادامه دارد.

۴-۲. نادیده گرفتن نقش اعتقادات در حقانیت دین

یکی از نقاط ضعف دیدگاه شبکه درباره پلورالیسم حقانیت این است که اساساً نقشی برای اعتقادات کلامی قائل نیست؛ درحالی که یکی از ابعاد مهم حقیقت دین، ساحت اعتقادات بنیادین و کلامی مطابق با واقع و صحیح است و آیات قرآنی فراوانی بر این موضوع تأکید می‌کند؛ به عنوان مثال در آیات چند (مریم: ۹۰، کهف: ۴-۵، توبه: ۳۰ و مائده: ۶۴ و ۷۳) خداوند صریحاً دیدگاه کسانی را که معتقدند خداوند دارای فرزند است یا قدرتش محدود است، جاهلانه و نادرست می‌داند و آنان را از عذاب خود می‌ترساند

و لعنت می‌کند. همچنین کسانی را که به تثلیث قائل شده‌اند کافر نامیده است و آنان را به دلیل اعتقادات نادرستشان (و نه مخالفت‌های عملی و دشمنی هایشان) بیرون از منظومه حقانیت قرار می‌دهد.

۴-۳. عدم نیاز به کثرت‌گرایی حقانیت

نکته دیگر اینکه برای دستیابی به همزیستی مسالمت‌آمیز لازم نیست به دیدگاه غربیان درباره کثرت‌گرایی حقانیت که هم مشکلات فلسفی و معرفت‌شناختی جدی دارد و هم تناسبی با فرهنگ و سنت و سبک زندگی مسلمانان ندارد تمسک کرد، بلکه مسلمانان می‌توانند با تکیه بر سازوکارهای درون دینی، مدارا با پیروان ادیان و مذاهب و اقوام دیگر را ضروری بدانند، به آنان احترام بگذارند، حقوقشان را رعایت کنند، از آن‌ها در مقابل تجاوز و ظلم حمایت کنند و حتی جان خود را در راه امنیت آن‌ها فدا کنند، بی‌آنکه به حقانیت اعتقادات آن‌ها باور داشته باشند. این موضوع که هم در سیره پیامبر و مسلمانان و هم در گفتار اولیای دین مطرح است، اگر مورد تأکید قرار گیرد و فرهنگ آن گسترش یابد نتایج بسیار مطلوب خواهد داشت. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در قضیه حمله برخی از سربازان معاویه به زنی غیرمسلمان و ربودن طلاهای او، فرمود: «اگر مرد مسلمانی از این پس از روی تأسف و غصه بمیرد سزاوار است و سرزنش نمی‌شود» صحیح است و آیات قرآنی فراوانی بر این موضوع تأکید می‌کند؛ به عنوان مثال در آیات چند (مریم: ۹۰، کهف: ۴-۵، توبه: ۳۰ و مائده: ۶۴ و ۷۳) خداوند (نهج البلاغه، خطبه ۲۷: ۶۹) و در نامه ایشان به مالک اشتر، والی مصر آمده است «آنان (شهروندان) دو گروه‌اند: یا هم‌کیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش... پس، از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده، همان‌گونه که دوست داری که خداوند نیز از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۲۶).



۴-۴. نگاه یک‌جانبه به حل بحران اختلافات و درگیری‌های میان مذاهب و اقوام

شبکه بر این گمان است که علت اختلافات و درگیری‌ها ناشی از اعتقادات دینی است و از عوامل دیگر غفلت ورزیده است و طرح کثرت‌گرایی حقانیت را به عنوان راه حل پیشنهاد کرده است؛ درحالی که دخالت استعمارگران، حمایت‌های برخی کشورهای خاورمیانه از گروه‌های وهابی و سلفی تندرو، دخالت سیاستمداران داخلی برای منافع مورد نظرشان، انتقام جویی‌های فردی و گروهی، مشکلات خانوادگی، عدم آموزش صحیح، سیاست‌های مبتنی بر بی‌عدالتی اجتماعی، نیاز مالی افراد اغتشاشگر و بحران هویت در میان عده‌ای از جوانان، زمینه را برای دامن‌زدن و گسترش ناآرامی و اختلاف و... در اندونزی فراهم آورد. اگرچه بسیاری از اینان، خود را در پشت شعارهای دینی و اعتقادی پنهان کرده بودند.

نتیجه گیری

با وجود آنکه برخی دغدغه‌های شبکه همچون جهانی دانستن اسلام و ظرفیت به کارگیری آن در رفع مشکلات و بحران‌های معاصر، توجه به اهداف و روح دین، به کارگیری عقل در فهم دین، نقد دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه و تندرو نزدیک به وهابیت، حمایت از اقلیت‌های مذهبی و... قابل توجه است، این نظریه به دلیل ضعف‌های نظری در روش و محتوا و نیز پیامدهای نامطلوب عملی به هیچ روی نمی‌تواند مورد قبول قرار گیرد؛ زیرا روش شبکه به دلیل استفاده از رویکرد زمینه‌گرایانه و تاریخمند در فهم دین، محور قراردادن ارزش‌های لیبرالیستی غربی و نداشتن معیارهای روشن و موجه، موجب می‌شود تفسیر دلخواهی، ابزاری و دارای تاریخ مصرف از دین ارائه شود که نتیجه آن تغییر ماهیت دین، کاهش شدید تأثیر آن در زندگی اجتماعی و فردی و فروکاسته شدن آن به تجربه ایمان شخصی، زوال اصالت دین و تبدیل شدن آن به ابزاری موقت برای حل بحران‌ها، دنیوی شدن دین و ازدست رفتن مرزهای اسلام با ادیان دیگر خواهد بود. این ضعف هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که می‌بینیم شبکه با شیفتگی فراوان به ارزش‌های لیبرالیستی، ظرفیت‌های فراوان احکام و راه حل‌های اجتماعی اسلام را برای به کارگیری آن‌ها در دوران معاصر نادیده می‌گیرد.

افزون بر این در مسئله حل خشونت‌ها و درگیری‌ها به جای تأکید بر نظریه کثرت‌گرایی اجتماعی اسلام، به نظریه کثرت‌گرایی حقانیت تمسک کرد که افزون بر رویکرد یک جانبه‌انگارانه و عدم استقبال طرف‌های درگیر نزاع، از ضعف‌های فلسفی، دینی برخوردار بود و طرح آن، خود بر ابعاد خشونت و اختلاف افزود. این موارد تنها بخشی اشکالات شبکه محسوب می‌شود.

این جریان اگرچه در ابتدا توانست تأثیر زیادی بر فضای فکری اندونزی داشته باشد و مخاطبانی را از طبقه متوسط مسلمان تحصیل کرده جذب کند، ولی این رشد و گسترش به دلیل نگرش تندرو شبکه به عقاید مردم مسلمان، مخالفت شخصیت‌ها و سازمان‌های اسلامی با شبکه و پیدایش گزینه‌های جدید پرمخاطب، ادامه نیافت و در حال حاضر این شبکه و سایر جریان‌های مشابه، تأثیرگذاری زیادی در جامعه اندونزی ندارند؛ و البته تا زمانی که دیدگاه‌های افراطی خود را برجسته نکنند و تغییر اساسی‌ای در شرایط اجتماعی اندونزی پدید نیاید، به حیات خود ادامه خواهند داد.

